

فصل‌نامه بین‌المللی علمی - تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)

سال هشتم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۴۰۴ (صص ۸۹-۱۱۹)

مقاله پژوهشی

Doi: [10.22034/jmzf.2026.243797](https://doi.org/10.22034/jmzf.2026.243797)

بررسی و آسیب‌شناسی آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های چین

تیان تیان گونگ^۱

چکیده

زبان به عنوان حامل اصلی تبادلات تمدنی بشری، نقش واسطه‌ای کلیدی در پیوند میان فرهنگ‌ها و شیوه‌های متفاوت ادراک ایفا می‌کند و تنها با تسلط بر زبان کشور مقصد، می‌توان به درک عمیق از جوهره هنری و بطن فرهنگی آن دست یافت. از این منظر، آموزش زبان فارسی، صرفاً فرایند تقویت توانایی زبانی نیست، بلکه پل مهمی برای تعامل تمدن‌های چین و ایران به شمار می‌رود که زیرساخت زبانی محکمی برای توسعه روابط دوجانبه فراهم می‌آورد. در چارچوب «ابتکار کمربند و جاده»، تعاملات فرهنگی و آموزشی میان دولت‌های چین و ایران، پیوسته در حال گسترش است. در حال حاضر، آموزش و پرورش استعداد‌های فارسی‌آموزان در چین، دستاوردهای فراوان داشته، اما با چالش‌هایی از جمله کمبود منابع آموزشی، محدودیت در مسیرهای همکاری میان‌دانشگاهی و ضعف در بخش‌های عملی مواجه است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه بررسی اسناد آموزشی، گزارش‌های دانشگاهی و تجربیات میدانی پژوهشگر، در پی آنست تا بتواند برای مقابله با مسائل بیان شده، مسیرهای بهینه‌سازی از جمله تقویت منابع آموزشی، گسترش اشکال و حوزه‌های همکاری میان‌دانشگاهی، غنی‌سازی فرصت‌های عملی برای دانشجویان و تعمیق همکاری‌های مردمی و محلی را پیشنهاد دهد. پژوهش حاضر کوشید تا ضمن آنکه با تبیین ضرورت تقویت پیوندهای همه‌جانبه در آموزش عالی، بر روی پژوهش‌های علمی و ترویج زبان و فرهنگ میان دو کشور تأکید شود؛ به سؤال اصلی پژوهش یعنی آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های چین با چه چالش‌ها و کاستی‌هایی مواجه است و چه راهکارهایی می‌تواند کیفیت و کارآمدی آن را ارتقا دهد؟ پاسخی جامع ارائه دهد.

واژه‌های کلیدی: آموزش زبان فارسی، آموزش فارسی به غیرفارسی‌زبانان، زبان فارسی در چین، آسیب‌شناسی آموزش.

^۱ - استادیار زبان فارسی دانشگاه مطالعات خارجی گوانگدونگ چین

202010048@oamail.gdufs.edu.cn

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۲

۱. مقدمه

چین و ایران به‌عنوان دو تمدن کهن آسیایی، همواره روابطی دوستانه و تعاملاتی گسترده در طول تاریخ داشته‌اند. پژوهش تاریخی، نشان می‌دهد که از سدهٔ دوم پیش از میلاد و دوران دودمان‌هان غربی (۲۰۲ ق.م-۸ م)، جادهٔ ابریشم به‌عنوان پیوندی حیاتی برای مبادلات تجاری و فرهنگی میان دو کشور شکل گرفت (شن، ۲۰۲۳: ۹۳). در دوره‌های تانگ (۹۰۷-۶۱۸ م)، سونگ (۱۲۷۹-۹۶۰ م) و یوان (۱۳۶۸-۱۲۷۱ م)، روابط اقتصادی، هنری و زبانی میان چین و ایران همچنان پویایی خود را حفظ کرد و زبان فارسی از طریق دین، ادبیات و هنر در چین گسترش یافت (دینگ، ۲۰۰۵: ۱۸۴). هر چند در دوران مینگ (۱۶۴۴-۱۳۶۸ م) و چینگ (۱۹۱۲-۱۶۳۶ م)، ارتباطات رسمی کاهش یافت، اما بازماندگان مسلمان ایرانی‌تبار در چین همچنان به سنت آموزش زبان فارسی پای‌بند ماندند و از طریق نهادهایی چون مساجد، به ترویج فرهنگ اسلامی ادامه دادند (همان: ۱۸۵).

با برقراری روابط رسمی دیپلماتیک میان چین و ایران در سال ۱۹۷۱، مناسبات دوجانبه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به طور پیوسته گسترش یافت. به ویژه پس از سفر رسمی شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین به ایران در سال ۲۰۱۶ و شکل‌گیری مشارکت جامع راهبردی دو کشور، همکاری‌های دو کشور وارد مرحلهٔ نوینی شد. امضای قرارداد سند راهبردی همکاری ۲۵ سالهٔ ایران و چین در سال ۲۰۲۱، پایهٔ محکمی برای تقویت اعتماد متقابل در سطوح عالی و توسعهٔ تعاملات فرهنگی ایجاد کرد. در سال ۲۰۲۳، «بیانیهٔ مشترک جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین» بر «تقویت همکاری در زمینهٔ آموزش زبان چینی و فارسی و افزایش درک متقابل و شناخت فرهنگی بین مردم ایران و چین» تأکید کرد.^۱ این امر نشانه‌ای از اهمیت راهبردی آموزش زبان در گسترش همکاری‌های دوجانبه است.

^۱ برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.: <https://fararu.com/fa/tiny/news-610531>

۱-۱- بیان مسئله و سؤالات تحقیق

«سال‌هاست که زبان فارسی، علاقه‌مندان به یادگیری را از کشورها و ملیت‌های مختلف با اهداف و انگیزه‌های متفاوت به خود جذب می‌کند. بر همین اساس، در دهه‌های اخیر، مسئولان کشور، توجه خاصی به گسترش زبان فارسی در کشورهای دیگر داشته‌اند و تلاش فراوانی با صرف هزینه‌های بسیار انجام داده‌اند که نتیجه این تلاش‌ها، فراگیری این زبان در دانشگاه‌ها، مؤسسه‌ها و حوزه‌های علمی کشور و همچنین ایجاد کرسی‌های متعدد زبان فارسی در دانشگاه‌های کشورهای دیگر است» (رضی نژاد-رستاخیز، ۱۴۰۴: ۷۵).

با توجه به این مهم، می‌توان اظهار داشت که سال‌هاست که زبان فارسی توانسته است دلدادگان بسیاری را از فرهنگ‌ها و سرزمین‌های گوناگون به سوی خود جذب نماید. زیرا زبان تنها ابزاری برای برقراری ارتباط نیست؛ بلکه پلی است که فرهنگ‌های متنوع را در هم می‌آمیزد و بافتارهای پیچیده‌ای از تفاهم و دوستی را ایجاد می‌کند. با این حال، چنان‌که بیان شد، با وجود آن که تلاش‌های گسترده‌ای برای گسترش این زبان در عرصه‌های بین‌المللی توسط اعضای آکادمیک دانشگاه‌ها یا انجمن‌های مربوطه انجام شده است، آموزش فارسی به غیرفارسی‌زبانان همچنان با چالش‌هایی بنیادین روبه‌روست. چالش‌هایی که هم کیفیت یادگیری را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و هم در کنار آن، مسیر تربیت نیروی انسانی متخصص را نیز دشوار می‌سازد. این وضعیت در چین، با وجود قرابت دیرینه فرهنگی با ایران، نمود روشن‌تری دارد.

امروزه، مشاهده می‌گردد که شمار دانشگاه‌های ارائه‌دهنده رشته زبان و ادبیات فارسی افزایش یافته و با توجه به این مورد، رشد دانشجویان چینی علاقه‌مند به فراگیری این زبان نیز دور از انتظار نیست. هرچند با در نظر گرفتن شرایط موجود، باید این نکته را مطرح نظر قرار داد که آموزش زبان فارسی در چین هنوز از انسجام و کارآمدی لازم برخوردار نیست. کمبود منابع آموزشی استاندارد، محدود بودن مسیرهای همکاری میان دانشگاهی، ضعف در فرصت‌های عملی برای دانشجویان و نبود برنامه‌ریزی منسجم برای تربیت مدرسان متخصص از جمله مسائلی است که روند آموزش را با کندی و نارسایی مواجه نموده است. مرور پژوهش‌های موجود که در ادامه بدان اشاره می‌گردد نیز نمایان‌گر آنست که عمده مطالعات و پژوهش‌های

انجام شده یا به جنبه‌های تاریخی و فرهنگی پرداخته‌اند یا به بررسی‌های جزئی و موردی محدود شده‌اند. در این میان اما، جای خالی یک پژوهش جامع با اتکا به تحولات اخیر به شدت احساس می‌شود که بتواند آموزش زبان فارسی را در دانشگاه‌های چین از منظر چالش‌های ساختاری تحلیل نموده و ارزیابی نماید. در چنین شرایطی، پرسش اصلی این پژوهش مطرح می‌شود: آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های چین با چه چالش‌ها و کاستی‌هایی مواجه است و چه راهکارهایی می‌تواند به ارتقای کیفیت و کارآمدی آن بینجامد؟

۱-۲. اهداف و ضرورت تحقیق

با در نظر گرفتن این نکته که توسعه آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های چین در سال‌های اخیر شتابی چشمگیر یافته است؛ باید پذیرفت که ارزیابی‌های جامع و برنامه‌ریزی‌شده بدون پشتوانه نمی‌تواند در نهایت به تربیت نیروی کار انسانی کارآمد و پاسخ‌گو در عرصه فرهنگی به ویژه حوزه موضوعی مورد پژوهش بیانجامد. در حالی که در چارچوب «ابتکار کمر بند و جاده»، تعاملات فرهنگی و آموزشی میان دولت‌های چین و ایران، پیوسته در حال گسترش است؛ نبود شناخت دقیق از وضعیت موجود آموزش زبان فارسی، مانعی جدی در مسیر ارتقای کیفیت این حوزه به شمار می‌رود. بدین جهت، انجام پژوهشی که بتواند تصویری روشن و تحلیلی صحیح از وضعیت کنونی ارائه دهد، ضرورتی انکارناپذیر است.

هدف پژوهش پیش رو آن است که با رویکردی توصیفی-تحلیلی، بتواند چالش‌ها و موانع اصلی آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های چین را شناسایی و بررسی نموده و بر پایه این شناخت بتواند مجموعه‌ای از راهکارهای عملی و قابل اجرایی را برای بهبود روند آموزش ارائه دهد. این مطالعه می‌کوشد با بررسی اسناد آموزشی، گزارش‌های دانشگاهی و تجربیات میدانی به پرسش بنیادین پژوهش پاسخ دهد. اهمیت این هدف از آن روست که ارتقای آموزش زبان فارسی در تقویت پیوندهای برون فرهنگی (Extra-Cultural) و حتی اجتماعی میان دو کشور نیز نقشی تعیین‌کننده دارد.

۳-۱. پیشینه تحقیق

با وجود سابقه‌ای طولانی در آموزش زبان فارسی در چین، که به بیش از هفتاد سال قبل در نظام آموزش عالی چین بازمی‌گردد، حجم مطالعات پژوهشی منتشرشده درباره‌ی وضعیت آموزش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های این کشور، بسیار محدود است. پژوهش‌های موجود را می‌توان در چهار دسته‌ی کلی طبقه‌بندی کرد.

۱-۳-۱. پژوهش‌های توصیفی درباره‌ی آموزش زبان فارسی در چین

در این دسته، آثاری جای می‌گیرند که به معرفی کلی وضعیت آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی چین پرداخته‌اند. مهم‌ترین اثر در این زمینه، مقاله‌ی حسن ذوالفقاری (۱۳۹۸) با عنوان «کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی در چین» است. نویسنده با تکیه بر تجربه‌ی تدریس در دانشگاه مطالعات زبان‌های خارجی شانگهای، ضمن بررسی پیشینه و وضعیت دانشگاه‌های دارای رشته‌ی زبان فارسی در چین، به معرفی مراکز ایران‌شناسی این کشور و پژوهشگران برجسته در حوزه‌های مرتبط نیز پرداخته است. این مقاله، از معدود منابعی است که مستقیماً به آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های چین اختصاص دارد. همچنین، مو هونگ یان و نرگس طبری شاهاندشت (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی وضعیت آموزش زبان چینی و فارسی در ایران و چین» نیز نگاهی تطبیقی به وضعیت آموزش این دو زبان دارد. اما بخش عمده‌ای از مقاله به مسائل آموزش زبان چینی در ایران اختصاص یافته و به وضعیت آموزش فارسی در چین صرفاً اشاره‌ای اجمالی شده است.

۲-۳-۱. پژوهش‌های تاریخی درباره‌ی آموزش زبان فارسی در چین قدیم

دسته‌ی دوم به پژوهش‌هایی اختصاص دارد که به آموزش زبان فارسی در دوره‌های تاریخی مختلف در چین پرداخته‌اند. در این راستا، لیو ینگ شینگ (۱۹۹۱) در مقاله‌ی «زبان‌های ایرانی و آموزش زبان فارسی در دوره‌ی تانگ و یوآن» به تحلیل زبان‌شناختی دو متن فارسی میانه‌ی به‌جامانده از دوره‌ی تانگ می‌پردازد و از طریق آن به بازسازی وضعیت آموزش زبان فارسی در میان مهاجران ایرانی در چین می‌پردازد. گذشته از

این، دینگ جون (۲۰۰۵) در مقاله‌ای با عنوان «از مسیر آموزش زبان فارسی در چین تا توسعه روابط فرهنگی ایران و چین»، نقش تاریخی آموزش زبان فارسی را در تحکیم مناسبات فرهنگی میان دو کشور برجسته می‌سازد. وی چین را از نخستین کشورهای می‌داند که آموزش زبان فارسی را در سطح اجتماعی و علمی آغاز کرده و آن را ابزاری مؤثر در تبادل فرهنگی معرفی می‌کند.

۱-۳-۳. پژوهش‌های مرتبط با گسترش زبان فارسی در جوامع مسلمان

چین

برخی مقالات به نقش زبان فارسی در جوامع مسلمان چین و ارتباط تاریخی آن با گسترش اسلام پرداخته‌اند. برای نمونه، سید جلال امام (۱۳۹۱) به طور تاریخی به سهم زبان فارسی در میان مسلمانان چین پرداخته و ضمن اشاره به حضور ایرانیان، تأثیرات زبانی و فرهنگی آنان را بررسی کرده است. همچنین، رضا مرادزاده (۱۳۹۶) نیز در مقاله‌ای با عنوان «زبان فارسی و گسترش اسلام در چین»، نقش زبان فارسی را در بستر تحولات تاریخی همچون مهاجرت ایرانیان و نفوذ اسلام در چین تحلیل می‌کند. شو وین کان (۱۴۰۲) در مقاله «بحثی کوتاه درباره زبان فارسی و گسترش آن در چین»، با اشاره به نقش زبان فارسی در دوره‌های جاده ابریشم، حکومت یوآن و مینگ، بر پیوندهای دیپلماتیک و دینی ناشی از گسترش این زبان تأکید دارد.

۱-۳-۴. پژوهش‌های زبان‌شناختی و آموزشی درباره آموزش زبان فارسی

به چینی‌زبانان

گروهی دیگر از مطالعات، بر تحلیل مسائل جزئی‌تر آموزشی و چالش‌های زبان‌آموزی تمرکز دارد. برای نمونه، زهره صدیقی‌فر (۱۳۹۵) راهبردهای یادگیری واژگان را در آموزش فارسی به چینی‌زبانان بررسی کرده‌اند. مهین‌ناز میردهقان و همکارانش (۱۳۹۸) به طراحی و ارزیابی درس‌نامه‌های آموزش زبان فارسی در سطح پایه برای زبان‌آموزان چینی پرداخته‌اند. سعیده زارع و همکارانش (۱۳۹۹) نیز به بررسی انتقال آوایی در گفتار فارسی زبان‌آموزان چینی پرداخته و نشان داده‌اند که

یکی از عوامل اصلی در لهجه خارجی این زبان آموزان، اشتباه در تلفظ واکه /e/ به دلیل تفاوت در نظام آوایی فارسی و چینی است. در پژوهشی دیگر، وکیلی فرد امیررضا و همکارش (۱۴۰۱) ارتباط بین نوع شخصیت، سبک‌ها و راهبردهای یادگیری زبان را در فارسی آموزان چینی بررسی کرده‌اند. به طور مشابه، محدثه برزگر بفرویی (۱۴۰۱) ساختار ترکیبات وصفی و اضافی را در دو زبان از منظر آموزشی بررسی کرده و به تفاوت‌های بنیادین این دو زبان در این زمینه پرداخته است. به غیر از اینها، وانگ زنگ‌رونگ (۱۴۰۲) آموزش ضرب‌المثل‌های فارسی را در درس «خواندن متون مطبوعاتی» برای غیرفارسی‌زبانان بررسی کرده و راهکارهایی در آموزش تفاوت‌های فرهنگی و زبانی ارائه کرده است. همچنین تهمینه بازدار (۱۴۰۲) در مقاله‌ای تطبیقی، تفاوت بازنمایی زمان و نمود در زبان‌های فارسی و چینی را تحلیل و نقش این تفاوت‌ها را در ترجمه و آموزش بررسی کرده است.

مرور پژوهش‌های یادشده نشان می‌دهد که با گسترش روزافزون تعداد دانشجویان رشته زبان فارسی در دانشگاه‌های چین، گفت‌وگوها و پژوهش‌های علمی میان پژوهشگران ایرانی و چینی درباره آموزش زبان فارسی، به طور فزاینده‌ای افزایش یافته است. با وجود این، تعداد پژوهش‌های موجود، اندک و مطالعات کلان‌نگر، کم‌رنگ هستند و آثار جدید نیز محدود به شمار می‌آیند. در اوضاع و احوال کنونی و در پرتو تحولات عصر جدید، آموزش زبان فارسی در چین، با گسترش دامنه موضوعات و تنوع در روش‌ها روبه‌روست و خواهد بود. در این مقاله، با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل متون و تجربیات آموزشی نویسنده، برپایه بررسی روند توسعه رشته زبان فارسی در دانشگاه‌های چین و وضعیت فعلی پرورش استعدادها در این حوزه، به تحلیل چالش‌ها و موانع کنونی آموزش زبان فارسی در چین می‌پردازد و راهکارهایی عملی برای بهبود این روند ارائه می‌کند؛ امید است که این پژوهش بتواند زمینه‌ای برای ارتقای کیفی آموزش زبان فارسی در چین فراهم سازد و در راستای تربیت دانش‌آموختگان کارآمد و پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی، فرهنگی و ارتباطی، مؤثر واقع شود.

۲. بحث و یافته‌های تحقیق

۲-۱. تاریخچه آموزش زبان فارسی در چین

۲-۱-۱. دوران باستان: آموزش زبان فارسی با محوریت نظام آموزشی

مذهبی (تعلیمات مسجدی)

بنابر تحلیل دینگ جون، در مقاله خود درباره تاریخچه آموزش زبان فارسی در چین، سابقه گسترش این زبان به دوران پررونق تعاملات فرهنگی و تجاری میان ایران و چین در دوره‌های تانگ، سونگ و یوان باز می‌گردد. وی توضیح می‌دهد که با ورود اسلام به چین، زبان فارسی به تدریج جایگاه مهمی در میان جوامع مسلمان چین یافت و به عنوان زبانی دینی و فرهنگی مورد استفاده قرار گرفت (دینگ، ۲۰۰۵: ۱۸۴). در دوره‌های مینگ و چینگ، آموزش زبان فارسی عمدتاً در مناطق غربی و شمال غربی چین و در چارچوب تعلیمات مسجدی موسوم به «تعلیمات مسجدی» یا «آموزش دینی سنتی» دنبال می‌شد. این شیوه آموزشی تحت هدایت علمای دینی صورت می‌گرفت و بر پایه حفظ و تکرار شفاهی متون مقدس، تفسیر متون کلاسیک اسلامی و کاربردهای دینی زبان فارسی استوار بود. هرچند این شیوه فاقد ساختار آموزشی نظام‌مند یا ارزیابی‌های زبانی مدرن بود، اما نقش مهمی در حفظ و تداوم زبان فارسی در میان مسلمانان چین ایفا کرد (همان: ۱۸۵).

۲-۱-۲. از تأسیس جمهوری خلق چین تا پایان قرن بیستم: آغاز

نهادینه‌سازی آموزش زبان فارسی

با ورود به قرن بیستم، ساختارهای سیاسی، اجتماعی و آموزشی چین دچار دگرگونی‌های بنیادین شد و آموزش زبان فارسی به تدریج از چارچوب سنتی مسجدی خارج و وارد عرصه آموزش رسمی و دانشگاهی شد (همان: ۱۸۶). پس از تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، دولت توجه ویژه‌ای به تربیت مترجمان و متخصصان زبان‌های آسیایی و آفریقایی مبذول داشت. زبان فارسی به‌عنوان یکی از زبان‌های مهم آسیایی، وارد نظام آموزش عالی کشور شد و از فضای مذهبی به کلاس‌های درسی دانشگاه‌ها انتقال یافت (همان: ۱۸۷). این مرحله، آغازی بر

نهادینه‌شدن آموزش زبان فارسی در چین و بخشی از سیاست کلان کشور در توسعهٔ زبان‌های خارجی و تربیت نیروی انسانی متخصص به شمار می‌رود.

در سال ۱۹۵۷، گروه زبان و ادبیات شرقی دانشگاه پکن، به طور رسمی رشتهٔ زبان فارسی را راه‌اندازی کرد. این اقدام، نخستین بار در تاریخ آموزش عالی چین بود که رشته‌ای مستقل برای زبان و ادبیات فارسی تأسیس شد. در همان سال، دانشگاه پکن، اولین دوره از دانشجویان کارشناسی زبان فارسی را پذیرش کرد و بدین ترتیب سرآغاز آموزش نوین زبان فارسی در نهادهای آموزش عالی چین را رقم زد (لیو، ۲۰۱۹: ۲۴۹-۲۵۱). با وجود کمبود شدید منابع آموزشی و استادان متخصص در آن زمان، پیشگامانی چون پروفسور ژانگ هونگ‌نیان با تکیه بر خودآموزی، ترجمه و تجربهٔ عملی در تدریس، موفق به ایجاد یک نظام آموزشی منسجم برای آموزش زبان فارسی شدند و نخستین نسل از متخصصان این حوزه را تربیت کردند (مو، ۲۰۱۴: ۲-۷). طبق آمار دکتر حسن ذوالفقاری، دانشگاه پکن هر چهار سال یک بار اقدام به پذیرش حدود ۱۵ دانشجوی زبان فارسی می‌کرد و تاکنون نزدیک به ۳۰۰ دانش‌آموخته در این رشته تربیت کرده است (ذوالفقاری، ۱۳۹۸: ۵۴). این دانشگاه موفق به ایجاد یک نظام آموزشی کامل در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزهٔ زبان و ادبیات فارسی شده است (مو، ۲۰۱۴: ۹۴).

دانشگاه پکن به‌عنوان خاستگاه آموزش زبان فارسی در نظام آموزش عالی چین، در حوزه‌هایی چون نگارش و تألیف کتاب‌های درسی، تدوین فرهنگ‌نامه‌ها، ترجمه و پژوهش‌های ادبی دستاوردهای مهمی داشته و نقش برجسته‌ای در تربیت نیروی انسانی برای دیگر دانشگاه‌هایی ایفا کرده است که بعد از دانشگاه پکن رشتهٔ زبان فارسی تأسیس کرده‌اند (دینگ، ۲۰۰۵: ۱۸۷). افزون بر این، این دانشگاه بارها میزبان نشست‌هایی مهمی چون «همایش زبان و ادبیات فارسی در چین» و «نشست ایران‌شناسی در چین» بوده که سهم مهمی در ارتقای تبادلات فرهنگی میان دو کشور ایفا کرده‌اند. آموزش زبان فارسی و پژوهش‌های ایران‌شناسی در دانشگاه پکن، مورد حمایت و تأیید دولت‌های چین و ایران قرار گرفته و به عنوان یکی از نمادهای دوستی تاریخی میان دو ملت شناخته می‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۹۸: ۵۵-۶۰).

در اواخر قرن بیستم، تحت تأثیر روند جهانی شدن اقتصاد و افزایش تعاملات بین‌المللی، چین به تدریج به اهمیت پرورش زبان‌آموزان در زبان‌های غیررایج^۱ پی برد و توجه بیشتری به توسعه این حوزه معطوف داشت (لیو، ۲۰۲۳: ۲۳۰). در سال ۱۹۹۷، وزارت آموزش چین، کمیته راهبردی آموزش زبان‌های غیر رایج را در چارچوب کمیته ملی آموزش زبان‌های خارجی تأسیس کرد، تا توسعه رشته‌های مرتبط در دانشگاه‌ها را هدایت کند. از آن زمان، چه در سطح سیاست‌های ملی و پروژه‌های دولتی، و چه در سطح برنامه‌ریزی‌های دانشگاهی، آموزش زبان‌های غیررایج تقویت شد (همان: ۲۳۱). دانشگاه مطالعات زبان‌های خارجی شانگهای در سال ۱۹۹۷ و دانشگاه مطالعات زبان‌های خارجی پکن در سال ۲۰۰۹ به طور رسمی، اقدام به پذیرش دانشجوی کارشناسی در رشته زبان فارسی کردند. این دو دانشگاه با برنامه‌ریزی هدفمند، پیشرفت چشمگیری در تربیت استعداد‌های زبان فارسی و گسترش تبادلات فرهنگی میان چین و ایران داشته‌اند. در حال حاضر، در چین تنها سه دانشگاه پکن، مطالعات زبان‌های خارجی شانگهای و مطالعات زبان‌های خارجی پکن، دارای مجوز اعطای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری در رشته زبان و ادبیات فارسی هستند (مو، ۲۰۱۴: ۹۴).

۲-۱-۳. از آغاز قرن ۲۱: توسعه شتاب‌گرفته آموزش زبان فارسی، به دنبال

ابتکار کمربند و جاده (ابریشم)

با ورود به قرن بیست‌ویکم و گسترش روابط چین با کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین، نقش زبان‌های غیررایج در حوزه‌هایی همچون دیپلماسی، ارتباطات فرهنگی و توسعه روابط بین‌المللی، روز به روز برجسته‌تر شده است (لیو، ۲۰۲۳: ۲۲۸-۲۲۹). در سال ۲۰۱۳، رئیس‌جمهور چین طرح مشترک «کمربند اقتصادی راه ابریشم» و «راه ابریشم دریایی قرن ۲۱» را با عنوان «ابتکار کمربند و جاده» ارائه کرد. ایران به عنوان یکی از کشورهای مهم در مسیر جاده ابریشم، در قالب ابتکار کمربند و جاده،

^۱ به زبان‌های غیر رایج زبان‌های کمتر تدریس شده (LCTLs) هم می‌گویند، زبان‌های غیر رایج در کشورهای مختلف تعاریف متفاوتی دارند. در چین، زبان‌های غیر رایج به زبان‌هایی غیر از انگلیسی، روسی، آلمانی، فرانسوی، ژاپنی، اسپانیایی و عربی گفته می‌شود.

فرصت تازه‌ای برای تقویت همکاری‌های آموزشی، تبادلات فرهنگی و همگرایی بین دو کشور فراهم آورد. این ابتکار نه تنها به تعمیق درک متقابل، هویت مشترک و اعتماد فرهنگی میان ایران و چین کمک کرده؛ بلکه تأثیر مستقیمی بر توسعه آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های چین گذاشته است (همان: ۱۲۲).

پس از ارائه طرح ابتکار کمربند و جاده، آموزش زبان فارسی در چین، وارد دوره‌ای از رشد شتابان شد و تعداد دانشگاه‌هایی که به راه‌اندازی رشته زبان فارسی پرداختند به شکل چشمگیری افزایش یافت. شماری از دانشگاه‌های برجسته در حوزه ترتیب زبان‌های خارجی از جمله دانشگاه مطالعات زبان‌های خارجی شی‌آن، دانشگاه اقتصاد و تجارت بین‌الملل و دانشگاه مطالعات بین‌المللی پکن به تدریج به برگزاری دوره کارشناسی زبان فارسی اقدام نمودند. آمارها نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۲۴ مجموعاً ۱۴ دانشگاه در سراسر چین، رشته کارشناسی زبان فارسی را راه‌اندازی کرده‌اند (رک. جدول ۱). در مقایسه با دوره پیش از سال ۲۰۱۰، شمار دانشجویان مشغول تحصیل در این رشته، به طرز قابل توجهی فزونی یافته و برخی دانشگاه‌ها نیز در حال بررسی و برنامه‌ریزی برای توسعه مقاطع کارشناسی ارشد در این حوزه هستند. در ضمن، محتوای آموزشی دوره‌های زبان فارسی در دانشگاه‌ها نیز متنوع‌تر شده و علاوه بر مهارت‌های زبانی، حوزه‌هایی همچون مطالعات روابط کشورهای خاور میانه، ارتباطات میان‌فرهنگی و آشنایی با ایران معاصر را نیز در بر می‌گیرد. تلاش‌ها در زمینه تألیف منابع آموزشی، تربیت استعداد‌های فارسی آموز و اجرای پروژه‌های همکاری علمی با دانشگاه‌های ایرانی نیز پیوسته در حال گسترش است؛ به‌گونه‌ای که این روند توانسته است پشتوانه‌ای مؤثر برای همکاری‌های اقتصادی، تجاری و فرهنگی میان ایران و چین فراهم آورد.

جدول ۱- گروه‌های زبان فارسی در دانشگاه‌های چین

| نام دانشگاه | سال تأسیس | تناوب پذیرش دانشجویان | تعداد هر دوره |
|--------------------------|-----------|-----------------------|---------------|
| دانشگاه پکن | ۱۹۵۷ | هر ۴ سال یک دوره | حدوداً ۱۵ نفر |
| دانشگاه رادیو و تلویزیون | ۱۹۵۸ | تعطیل | - |

| | | | |
|---------------|------------------|------|--|
| حدوداً ۱۲ نفر | هر ۳ سال یک دوره | ۱۹۹۷ | دانشگاه مطالعات زبان‌های خارجی شانگهای |
| حدوداً ۱۵ نفر | هر ۳ سال یک دوره | ۲۰۰۹ | دانشگاه مطالعات زبان‌های خارجی پکن |
| حدوداً ۲۰ نفر | هر سال | ۲۰۱۲ | دانشگاه مطالعات زبان‌های خارجی شی‌ان |
| حدوداً ۱۲ نفر | هر ۳ سال یک دوره | ۲۰۱۴ | دانشگاه اقتصاد و تجارت بین‌المللی |
| حدوداً ۱۵ نفر | هر ۲ سال یک دوره | ۲۰۱۷ | دانشگاه مطالعات بین‌المللی پکن |
| حدوداً ۱۰ نفر | هر ۲ سال یک دوره | ۲۰۱۷ | دانشگاه مطالعات خارجی گوانگدنگ |
| حدوداً ۱۵ نفر | هر سال | ۲۰۱۷ | دانشگاه شی‌هه‌زی |
| حدوداً ۱۵ نفر | هر ۲ سال یک دوره | ۲۰۱۷ | دانشگاه لین‌شیا |
| حدوداً ۱۲ نفر | هر ۴ سال یک دوره | ۲۰۱۸ | دانشگاه مطالعات خارجی تیان‌جین |
| حدوداً ۱۲ نفر | هر سال | ۲۰۱۸ | دانشگاه مطالعات زبان‌های خارجی جیلین |
| حدوداً ۱۵ نفر | هر ۳ سال یک دوره | ۲۰۲۲ | دانشگاه زبان و فرهنگ پکن |
| حدوداً ۱۲ نفر | هر ۲ سال یک دوره | ۲۰۲۲ | دانشگاه یو‌شیو‌جه جیانگ |

۲-۲. موانع و چالش‌ها در روند آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های چین همان‌گونه که در بخش‌های پیشین اشاره شد، از زمان تأسیس رشته زبان فارسی در دانشگاه پکن در سال ۱۹۵۷ تاکنون، آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های چین؛

حدود هفت دهه مسیر تحول و توسعه را طی کرده و در حال حاضر، نظام نسبتاً منسجمی برای پرورش استعدادهای زبان فارسی در مقاطع و مناطق مختلف کشور شکل گرفته است. با این حال، در سال‌های اخیر، با افزایش پیوسته تعداد دانشگاه‌هایی که رشته زبان فارسی را راه‌اندازی کرده‌اند، پدیده‌ای قابل تأمل شکل گرفته است، به‌گونه‌ای که علی‌رغم افزایش تعداد دانشجویان در این رشته، کیفیت آموزشی و سطح تخصصی دانش‌آموختگان در بسیاری از موارد، پاسخ‌گوی نیازهای موجود نیست. از این رو، تربیت نیروی انسانی زبان فارسی در چین با چالش‌ها و موانعی به شرح زیر روبه‌رو شده است.

۲-۱-۲. کمبود منابع آموزشی و کمک آموزشی

از زمان راه‌اندازی رسمی رشته زبان فارسی در سال ۱۹۵۷، با تلاش نسل‌های مختلفی از استادان و پژوهشگران این حوزه، چارچوب اولیه‌ای برای تألیف و تدوین منابع آموزشی زبان فارسی شکل گرفته که چهار مهارت اصلی زبان یعنی شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن را پوشش می‌دهد. اطلاعات جزئی این منابع و کتاب‌های آموزشی در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۲- کتاب‌های درسی منتشرشده آموزش زبان فارسی در چین

| سال انتشار | نویسنده | کتاب |
|------------|-----------------------------|--|
| ۲۰۰۹ | لی شیانگ، تنگ هوی‌جو | آموزش زبان فارسی (جلد ۱ تا ۴) |
| ۲۰۰۷ | تنگ هوی‌جو | مکالمه کاربردی فارسی |
| ۲۰۱۳ | ژانگ لی‌مینگ، ژائو شیاولینگ | آموزش شنیداری-گفتاری فارسی (جلد ۱ و ۲) |
| ۲۰۱۴ | ژائو شیاولینگ | ترجمه کتبی فارسی-چینی |
| ۲۰۱۶ | ژائو شیاولینگ | فارسی مقدماتی |
| ۲۰۱۶ | ژائو شیاولینگ | آموزش فارسی کاربردی |
| ۲۰۱۶ | ژانگ لی‌مینگ | دستور زبان فارسی |
| ۲۰۱۶ | ژائو شیاولینگ | گزیده ادبیات معاصر |

| | | |
|------|-----------------------------|--------------------|
| ۲۰۱۸ | ژانگ لی‌مینگ، ژائو شیاولینگ | خواندن (جلد ۱ و ۲) |
| ۲۰۲۳ | ژانگ لی‌مینگ، لی ژی‌پنگ | نگارش |

کتاب‌های درسی منتشرشده تا حد زیادی نیازهای آموزشی زبان فارسی را در دانشگاه‌های چین تأمین می‌کنند، اما در عمل، چالش‌هایی در زمینه کارآمدی و تناسب آن‌ها با روند آموزشی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در سه محور عمده خلاصه کرد.

الف. برخی از کتاب‌ها نیازمند بازبینی و به‌روزرسانی هستند، چرا که محتوای آن‌ها با تحولات زبانی معاصر همخوانی ندارد. برای نمونه، مجموعه جامع و نظام‌مند «آموزش زبان فارسی (۴-۱)» تألیف استادان گروه زبان و ادبیات دانشگاه پکن، به‌عنوان یکی از منابع معتبر و پرکاربرد در آموزش زبان فارسی شناخته می‌شود. این مجموعه با ساختاری دقیق، مطالب غنی و رویکرد آموزشی منطبق با ویژگی‌های دانشجویان چینی طراحی شده و سال‌هاست در کلاس‌های فارسی کاربرد دارد. با این حال، از زمان تألیف آن، سال‌ها گذشته و در این مدت، زبان فارسی در حیطه واژگان، سبک بیان و کاربردهای زبانی، تغییر و تحولاتی داشته است. بنابراین، فاصله‌ای محسوس میان آنچه در کلاس آموزش داده می‌شود و زبان رایج امروزی در ایران پدید آمده است.

ب. ساختار آموزشی کتاب‌های موجود از نظر سطح‌بندی دشواری و ترتیب تدریجی مطالب، فاقد انسجام و برنامه‌ریزی نظام‌مند است. در حال حاضر، کتاب‌های مشابه در یک حوزه خاص مانند نگارش یا خواندن از نظر سطح دشواری تفاوت آشکاری ندارند و ترتیبی برای پیشبرد گام به گام زبان‌آموزی دیده نمی‌شود. از سوی دیگر، با توجه به تفاوت‌های اساسی زبان فارسی با زبان‌هایی همچون چینی و انگلیسی از نظر نگارش، آواشناسی و دستور زبان، فرایند یادگیری برای دانشجویان چینی، از سطح مقدماتی تا تسلط بر مهارت‌های چهارگانه نسبتاً طولانی است. در حالی که در بسیاری از دانشگاه‌ها، دروس تخصصی مانند نگارش یا درک مطلب فارسی از ترم سوم یا چهارم آغاز می‌شود، سطح زبانی دانشجویان هنوز به حدی نرسیده است که بتوانند از کتاب‌های موجود استفاده مؤثر داشته باشند. در چنین شرایطی، مدرسان ناچارند

از مطالب مکمل به صورت جزوه‌های پراکنده بهره ببرند که این منابع اغلب فاقد انسجام آموزشی لازم هستند و پیوستگی روند تدریس را مختل می‌کنند.

پ. دامنه موضوعی کتاب‌های موجود، محدود است و منابع کافی برای آموزش فارسی کاربردی و تخصصی در اختیار نیست. کتاب‌های درسی قابل دسترسی، عمدتاً بر آموزش زبان عمومی و متون ادبی تمرکز دارند و به حوزه‌هایی همچون سیاست، اقتصاد، بازرگانی، فناوری و حقوق کمتر پرداخته‌اند. این در حالی است که واحدهای رشته زبان فارسی در دانشگاه‌ها، شامل سه محور آموزش زبان، ترجمه و فرهنگ است. در دروس عملی مانند ترجمه کتبی و شفاهی یا مقایسه فرهنگی ایران و چین، مدرّسان ناگزیر به تدوین منابع تکمیلی همچون «مذاکرات تجاری»، «بررسی قرارداد اقتصادی» یا «بررسی متون حقوقی» هستند. اما این منابع از یک سوی فاقد اعتبار علمی است، چرا که اغلب بر تجربیات شخصی استادان یا منابع ثانویه پراکنده تکیه دارند و فاقد اتکای کافی بر اسناد رسمی ایران، قراردادهای واقعی شرکت‌ها یا گزارش‌های رسانه‌های معتبر هستند. از سوی دیگر، پراکندگی و عدم انسجام منابع، تبدیل به نظام آموزشی تخصصی نمی‌شوند.

۲-۲-۲. کاستی‌ها در مسیر یادگیری زبان و دستاوردهای آموزشی

در حال حاضر، اغلب دانشگاه‌هایی که زبان فارسی در آنجا تدریس می‌شود، نظام نسبتاً منسجمی برای تربیت دانشجو ایجاد کرده و با توجه به منابع در اختیار و موقعیت آموزشی خود، برنامه‌های درسی متنوعی تدوین نموده‌اند. در بیشتر دانشگاه‌ها، آموزش زبان در دو سال نخست تحصیل، متمرکز بر دروس پایه زبانی و محتوای کتاب‌ها و سرفصل‌ها تا حد زیادی یکسان است. هدف اصلی این مرحله، تقویت مهارت‌های چهارگانه زبانی یعنی شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن به شکل جامع است. پس از ورود به دوره‌های بالاتر، برخی از دانشگاه‌ها، دروس تخصصی‌تری مانند «فارسی تجاری» یا «فارسی حقوقی» را به برنامه آموزشی خود اضافه کرده و در شرایط ممکن، دانشجویان را برای یک یا دو ترم به دانشگاه‌های همکار در ایران اعزام می‌کنند تا تجربه یادگیری غوطه‌ور در محیط فارسی‌زبان را کسب نمایند. با

وجود تشابه نسبی در مسیر کلی آموزش، سطح نهایی مهارت زبانی دانشجویان، تفاوت قابل توجهی دارد؛ به طوری که برخی از دانش‌آموختگان حتی قادر به برقراری ارتباط روان با فارسی‌زبانان نیستند. این شکاف، دلایل متعددی دارد که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

الف. پیچیدگی و دشواری زبان فارسی: بیشتر دانشجویان چینی، پیش از ورود به دانشگاه هیچ‌گونه آشنایی قبلی با زبان فارسی ندارند. تفاوت چشمگیر جنبه‌های آوایی، دستوری و نوشتاری زبان فارسی با زبان چینی و انگلیسی، موجب می‌شود که دانشجویان در مراحل آغازین یادگیری، با دشواری‌ها و احساس ناکامی مواجه شوند و این موضوع استمرار یادگیری را با چالش مواجه می‌سازد.

ب. انگیزه ضعیف برای یادگیری: درصد بالایی از دانشجویان، به شکل غیرداوطلبانه وارد رشته زبان فارسی می‌شوند. با توجه به سختی‌های منحنی یادگیری زبان فارسی، بسیاری از دانشجویان، فاقد علاقه و انگیزه درونی لازم برای یادگیری فعال زبان هستند.

پ. فقدان فرصت عملی و کارآموزی: اگرچه تمام دانشگاه‌ها از حضور یک استاد ایرانی برای تدریس زبان فارسی برخوردارند، اما برای فارسی‌آموزان داخل چین، فرصت‌های اندکی برای تعامل مستقیم با فارسی‌زبانان دارند. بسترهای لازم برای تمرین زبان در داخل و خارج دانشگاه محدود؛ و فرصت‌های کارآموزی نیز در شرکت‌ها بسیار اندک است. در نتیجه، زبان‌آموزان با کمبود ورودی و خروجی زبانی مواجهند و مهارت‌های ارتباطی آنان به درستی شکل نمی‌گیرد.

ت. نبود سیستم ارزیابی و بازخورد منسجم: در حال حاضر، چین فاقد سیستم یکپارچه‌ای برای سطح‌بندی مهارت زبان فارسی است. همچنین، رقابت‌ها و مسابقات آموزشی نیز محدود هستند. به‌جز المپیاد زبان و ادبیات فارسی در زمینه‌های شعرخوانی و سخنرانی که به همت رایزنی فرهنگی سفارت ایران در چین برگزار می‌شود، دانشجویان فرصت اندکی برای ارائه و سنجش دستاوردهای خود دارند که موجب کاهش انگیزه و هدف‌مندی یادگیری می‌شود.

ث. دسترسی محدود به منابع فرهنگی اصیل فارسی: به دلیل محدودیت‌های موجود در دسترسی به برخی پلتفرم‌های بین‌المللی مانند یوتیوب و اینستاگرام، دانشجویان قادر نیستند به راحتی با محتوای فرهنگی معاصر ایران آشنا شوند. همچنین، کمبود فیلم‌ها و موسیقی‌های ایرانی با زیرنویس دو زبانه چینی-فارسی در داخل کشور، تا حدودی توانایی ورودی زبانی و درک فرهنگی دانشجویان را کاهش داده است.

در مجموع، اگرچه ساختار درسی و سازمان‌دهی آموزشی در رشته زبان فارسی دانشگاه‌های چین، از انسجام نسبی برخوردار است، اما به دلیل مجموعه‌ای از عوامل مانند دشواری زبان، ضعف انگیزه، نبود محیط تعاملی، محدودیت‌های ارزیابی و کمبود منابع فرهنگی، هنوز شکاف قابل توجهی بین یادگیری دانشجویان و توانایی واقعی آن‌ها در کاربرد زبان باقی مانده است. از این روی، بازنگری در طراحی آموزشی و تقویت منابع پشتیبان آموزشی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

۲-۲-۳. محدودیت‌های همکاری میان دانشگاه‌های چین و ایران

اغلب دانشگاه‌های چین که دارای رشته زبان و ادبیات فارسی هستند، با حداقل یک دانشگاه ایرانی از جمله تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبائی، اصفهان و بین‌المللی امام خمینی قزوین، روابط همکاری برقرار کرده‌اند. با این حال، چارچوب این همکاری‌ها، عمدتاً به برنامه‌های تبادلات دانشجویی محدود شده است؛ به ویژه اعزام دانشجویان چینی به مراکز آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های همکار ایرانی برای گذراندن دوره‌های آموزش زبان که معمولاً بین چهار تا پنج ماه به طول می‌انجامد. با وجود آنکه چنین فرصت‌هایی، زمینه مناسبی برای یادگیری زبان در محیط واقعی فراهم می‌سازد، اما الگوی همکاری میان دو طرف همچنان تک‌بعدی باقی مانده و در حوزه‌هایی مانند تبادل اعضای هیئت علمی، همکاری‌های مشترک پژوهشی و راه‌اندازی برنامه‌های دومی‌درکی، پیشرفت چشمگیری حاصل نشده است. از یک سو، محدودیت‌هایی چون ساختارهای مدیریتی، بودجه ناکافی و کمبود منابع علمی در برخی دانشگاه‌های چین، مانع توسعه همکاری‌های عمیق‌تر می‌شود؛ از سوی دیگر،

نظام آموزشی ایران، میزان تمایل به همکاری‌های بین‌المللی و نبود انعطاف‌پذیری کافی در سیاست‌های اجرایی، روند گسترش همکاری‌های دانشگاهی را با دشواری‌هایی روبه‌رو کرده است. در این صورت، تعاملات علمی میان دانشگاه‌های چین و ایران، چه از نظر دامنه و چه از حیث عمق، همچنان جای توسعه و تقویت قابل توجهی دارد.

۲-۲-۴. ضعف در جذابیت رشته زبان فارسی

در سال‌های اخیر، تحت تأثیر عواملی چون پیشرفت فناوری‌های هوش مصنوعی، بی‌ثباتی‌های ژئوپولیتیکی و تغییرات بازار کار، جذابیت برخی رشته‌های زبان‌های خارجی از جمله رشته زبان فارسی در جامعه چین روندی نزولی داشته است، به طوری که نمره پذیرش کنکور برای رشته زبان فارسی در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ در چندین دانشگاه به شکل محسوسی کاهش یافت؛ که نشان‌دهنده کم شدن تمایل جوانان به انتخاب این رشته است. کاهش جذابیت این رشته دلایل مختلفی بدین شرح دارد:

نخست آنکه پیشرفت سریع فناوری هوش مصنوعی، انگیزه دانشجویان برای یادگیری زبان را کاهش داده است. با ظهور مدل‌های زبانی بزرگ همچون ChatGPT و DeepSeek، ساختار صنعت خدمات زبانی در حال دگرگونی است. این تحول، سبب شکل‌گیری این تصور در میان برخی دانشجویان شده که «مهارت‌های زبانی به‌زودی به عهده ماشین‌ها خواهد بود» و به‌ویژه درباره کاربرد بودن زبان‌های غیررایج، تردیدهایی به وجود آمده است. این نگرانی‌ها موجب تضعیف حس تعلق به رشته و کاهش انگیزه تحصیلی شده‌اند.

دوم آنکه تصویر منفی ایجاد شده از ایران در برخی رسانه‌های اجتماعی و تنش‌های ژئوپولیتیک، بر انتخاب دانشجویان اثرگذار بوده است. اگرچه طی دهه گذشته، تعداد زبان‌آموزان فارسی در چین رو به رشد بوده، اما در مقایسه با جمعیت عظیم چین، شمار افرادی که با زبان فارسی و فرهنگ ایرانی آشنایی دارند، بسیار اندک است. تشدید درگیری‌ها میان ایران و اسرائیل، نگرانی‌ها درباره امنیت ایران را افزایش داده

است. یکی از دلایل اصلی این امر، انعکاس منفی ایران در رسانه‌های اجتماعی است. شناخت عموم مردم چین از ایران، عمدتاً از طریق رسانه‌های غربی و اطلاعات دست دوم شکل گرفته و در نتیجه، برداشت غالب دربارهٔ ایران، محدود به مسائل مذهبی، جنگ و تحریم‌های آمریکا باقی مانده است. ترکیبی از کلیشه‌ها، روایت‌های جهت‌دار رسانه‌های غربی و تنش‌های فزایندهٔ منطقه‌ای، باعث شده بسیاری از دانشجویان و خانواده‌ها در انتخاب زبان‌های خارجی، اولویت را به زبان‌هایی چون انگلیسی، آلمانی و فرانسوی دهند که متعلق به کشورهای اروپایی با ثبات‌تر هستند.

سوم آنکه رقابت در بازار کار، شدیدتر و افق‌های شغلی این رشته مبهم شده است. از زمان آغاز ابتکار کمربند و جاده، شمار دانشگاه‌های دارای رشتهٔ زبان فارسی در چین، به طور چشمگیری فزونی یافته و تعداد دانش‌آموختگان سالانهٔ این رشته، از کمتر از ۲۰ نفر پیش از سال ۲۰۱۰ به بیش از ۱۵۰ نفر در حال حاضر رسیده و این روند، منجر به رشد سریع عرضهٔ نیروی انسانی در این حوزه شده است. همزمان، دانشگاه‌های ایران نیز گسترش آموزش زبان چینی را در دستور کار قرار داده‌اند. دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبایی و اصفهان، رشتهٔ زبان چینی را راه‌اندازی کرده‌اند و دانشگاه‌های تهران و مازندران، میزبان مؤسسه‌های کنفوسیوس شده‌اند. در نتیجه، تعداد قابل توجهی از جوانان ایرانی، مسلط به زبان چینی تربیت شده‌اند. همچنین، برخی از جوانان چینی، به صورت شخصی به ایران رفته و زبان فارسی را فرا گرفته‌اند که این مسئله بر رقابت‌پذیری بازار کار می‌افزاید. همزمان با افزایش شمار فارسی‌زبانان، به دلیل مشکلات اقتصادی ایران، سطح همکاری‌های اقتصادی میان چین و ایران نیز در سال‌های اخیر کاهش یافته است. از زمان خروج یک‌جانبهٔ آمریکا از توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۸ و بازگشت تحریم‌ها، تعاملات اقتصادی دوجانبه به شدت آسیب دیده و در پی آن، تقاضا برای نیروی متخصص مسلط به زبان فارسی در شرکت‌های چینی نیز کاهش یافته است. براساس آمارها، سالانه بین ۵ تا ۱۰ درصد دانشجویان پذیرفته شده در رشتهٔ زبان فارسی، پس از ورود به دانشگاه، تصمیم به تغییر رشته می‌گیرند. بیش از نیمی از دانشجویانی که این رشته را ادامه می‌دهند نیز پس از فارغ‌التحصیلی در مشاغل فعالیت می‌کنند که ارتباطی با زبان فارسی ندارند؛ یا مسیر تحصیلی خود را تغییر داده و برای یافتن فرصت‌های

شغلی بهتر، در مقاطع بالاتر رشته‌ای دیگر را برمی‌گزینند. این امر نه تنها موجب هدررفت مهارت زبان، بلکه به تضعیف جایگاه رشته زبان فارسی در میان افکار عمومی منجر شده است. اگرچه چین و ایران، همچنان در حوزه‌هایی چون دیپلماسی، اقتصاد و انرژی، همکاری‌های گسترده‌ای دارند، اما در کوتاه‌مدت، احتمال دستیابی به شغل مورد نظر از طریق تسلط صرف بر زبان فارسی، همچنان محدود به نظر می‌رسد.

۲-۳. پیشنهادها جهت بهبود کیفیت آموزش زبان فارسی در چین

در سال‌های اخیر، با تعمیق روابط چین و ایران و پیشبرد مستمر ابتکار کمربند و جاده، چین بیش از پیش به تربیت متخصصان مسلط به زبان فارسی و جنبه‌های مختلف جامعه، فرهنگ، سیاست و اقتصاد ایران اهمیت داده است. با این حال، نظام کنونی آموزش زبان فارسی در چین با چالش‌هایی مانند ضعف در تولید منابع آموزشی، محدودیت همکاری‌های بین‌دانشگاهی، کمبود فرصت‌های عملی برای دانشجویان و کاهش انگیزه زبان‌آموزی رو به روست. به منظور ارتقای کیفیت تربیت نیروی انسانی متخصص در زبان فارسی و تضمین توسعه پایدار این رشته، مسیرها و پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

۲-۳-۱. رسیدگی به وضعیت منابع آموزشی و کمک آموزشی

۲-۳-۱-۱. تدوین منابع درسی با همکاری مشترک استادان ایران و چین
کتاب‌های درسی، هسته اصلی آموزش زبان را تشکیل می‌دهند و کیفیت آن‌ها، تأثیر مستقیمی بر نتایج آموزشی دارد. مشارکت دانشگاه‌های ایرانی و چینی در تدوین این منابع، تضمینی برای کیفیت علمی آن‌ها خواهد بود. هنگام تألیف کتاب‌های فارسی ویژه زبان‌آموزان چینی، باید به ویژگی‌های شناختی و زبانی دانشجویان چینی، ساختار آموزشی دانشگاه‌ها و ریتم یادگیری آنان توجه شود. توصیه می‌شود در چارچوب همکاری‌های میان‌دانشگاهی، گروهی از متخصصان آموزش زبان از هر دو کشور گرد هم آمده و منابعی جامع، روزآمد و منطبق با نیازهای دانشجویان چینی طراحی کنند. این منابع باید شامل بخش‌هایی چون آموزش زبان، مقایسه فرهنگی،

موقعیت‌های کاربردی و آموزش ارتباط میان فرهنگی باشد. همچنین لازم است سازوکاری برای دریافت بازخورد منظم از دانشجویان و استادان در نظر گرفته شود تا محتوای کتاب‌ها به طور دوره‌ای بازبینی و به‌روزرسانی شود.

۲-۳-۱-۲. تدوین منابع تخصصی برای پاسخگویی به نیازهای چندبُعدی

دانشجویان

با توجه به تنوع علایق و نیازهای تحصیلی دانشجویان، پیشنهاد می‌شود مجموعه‌ای از منابع فارسی کاربردی برای حوزه‌های مشخصی چون تجارت، ترجمه، حقوق، سیاست، فناوری و غیره طراحی شود. برای مثال، کتاب‌هایی چون «فارسی اقتصادی و تجاری»، «ترجمه شفاهی فارسی-چینی»، «فارسی حقوقی» و «فارسی علمی» می‌تواند به دانشجویان در مسیر حرفه‌ای شدن کمک کند. این منابع را می‌توان به گونه‌ای تدوین کرد که هم به آموزش زبان بپردازد و هم واژگان و مفاهیم کلیدی مرتبط با حوزه تخصصی را آموزش دهند تا دانشجویان را برای ورود به بازار کار توانمند سازند.

۲-۳-۱-۳. توسعه منابع دیجیتال از طریق همکاری‌های میان دانشگاهی

زیرساخت‌های فناوری آموزشی در دانشگاه‌های چین در سال‌های اخیر، پیشرفت چشمگیری داشته و محیط آموزش دیجیتال برای دانشجویان بسیار آشناست. در چنین شرایطی، همگام‌سازی روش‌های تدریس و منابع آموزشی، با فناوری‌های نوین آموزشی می‌تواند به افزایش انگیزه و علاقه دانشجویان در یادگیری زبان فارسی کمک کند. دانشگاه‌ها می‌توانند از بسترهای آموزشی آنلاین مانند دوره‌های «موک» (MOOC) برای توسعه منابع الکترونیکی بهره بگیرند و با همکاری مشترک کتاب‌های الکترونیکی و دوره‌های آنلاین متناسب با نیاز زبان‌آموزان چینی تولید کنند. این منابع دیجیتال می‌تواند شامل ویدئوهای درسی، تمرین‌های تعاملی، تمرین‌های گفتاری، شبیه‌سازی موقعیت‌های واقعی و بخش‌های آشنایی با فرهنگ باشد تا یک تجربه یادگیری چندوجهی و پویا برای زبان‌آموزان فراهم شود. افزون بر این، بهره‌گیری از

فناوری‌های نوین مانند تشخیص گفتار توسط هوش مصنوعی و سیستم‌های تصحیح خودکار می‌تواند آموزش را شخصی‌سازی کند و بهره‌وری یادگیری را ارتقاء بخشد. چنین منابعی نه تنها به دانشجویان دانشگاهی کمک می‌کند، بلکه برای علاقه‌مندان به زبان فارسی که به منابع آموزشی رسمی دسترسی ندارند نیز مفید خواهد بود.

۲-۳-۲. گسترش شکل‌ها و حوزه‌های همکاری میان دانشگاه‌های ایران و

چین

۲-۳-۲-۱. تعمیق توافق‌نامه‌های موجود و اجرای پروژه‌های تبادل واقعی

در حال حاضر، بسیاری از دانشگاه‌های ایرانی که دارای رشتهٔ زبان چینی هستند، با دانشگاه‌های چینی که دارای رشتهٔ زبان فارسی هستند، تفاهم‌نامهٔ همکاری امضا کرده‌اند. این ظرفیت می‌تواند بستری مناسب برای برگزاری فعالیت‌های متنوع فرهنگی و زبانی بین دانشجویان چینی مقیم ایران و دانشجویان ایرانی رشتهٔ زبان چینی فراهم کند. برنامه‌هایی چون همراه زبانی و کارگاه‌های مشترک فرهنگی فارسی-چینی نه تنها فرصتی برای تقویت مهارت‌های زبانی دانشجویان فراهم می‌سازد؛ بلکه موجب درک متقابل عمیق‌تری از فرهنگ‌های یکدیگر و ترویج احترام میان فرهنگی خواهد شد.

۲-۳-۲-۲. ایجاد سازوکارهای چندلایه برای تربیت مشترک دانشجوی

پیشنهاد می‌شود که در چارچوب همکاری‌های بین‌دانشگاهی، توافق‌نامه‌هایی برای اجرای برنامه‌هایی نظیر تبادل دانشجو به طور رایگان، تربیت مشترک و اعطای مدرک دوگانه میان دانشگاه‌های ایران و چین به امضا برسد. این طرح‌ها می‌توانند شامل سطوح کارشناسی و تحصیلات تکمیلی باشند و آموزش را در ابعاد گوناگون ارتقاء دهند. همکاری دانشگاهی صرفاً به رشته زبان محدود نباشد؛ بلکه به حوزه‌های گسترده‌تری نظیر روابط بین‌الملل، رسانه، حقوق، تجارت و اقتصاد نیز گسترش یابد تا نسل جدیدی از نخبگان چندمهارتی با تسلط بر زبان و درک عمیق از رشته تخصصی تربیت گردد.

۲-۳-۲. تقویت تبادل هیئت علمی و توسعه پژوهش‌های مشترک

دانشگاه‌های ایران و چین می‌توانند با بهره‌گیری از فرصت‌هایی چون اعزام استادان، برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت و تدریس مشترک، ارتباطات علمی خود را گسترش دهند. در کنار آن، لازم است پروژه‌های تحقیقاتی مشترکی در حوزه‌هایی چون فرهنگ، تاریخ، ادبیات و سیاست میان دو کشور تعریف شود. انتشار مقالات مشترک، تأسیس مراکز پژوهشی بین‌المللی و اجرای مطالعات تطبیقی می‌تواند زمینه‌ساز تبادل دانش و تولید محتوای علمی مشترک گردد. در این میان، توجه به بهره‌گیری از منابع اولیه به زبان‌های فارسی و چینی ضروری است. در حال حاضر، یکی از چالش‌های پژوهش‌های ایران‌پژوهی در چین کمبود استفاده از منابع دست اول فارسی است و از سوی دیگر، در چین پژوهی ایران نیز کمبود درک متون اصلی چینی احساس می‌شود. با بهره‌گیری از ظرفیت علمی پژوهشگران دو کشور، می‌توان پژوهش‌های مشترکی مبتنی بر منابع اصیل انجام داد و از این طریق، تولید دانش بومی و اصیل را تقویت کرد و زمینه را برای رفع سوءتفاهم‌ها و کاهش قضاوت‌های اشتباه نسبت به فرهنگ و سیاست طرف مقابل فراهم آورد.

۲-۳-۳. ایجاد فرصت‌های کارآموزی و عملی متنوع‌تر برای دانشجویان

زبان فارسی

زبان فارسی به عنوان یک زبان خارجی، تنها با اتکای صرف به آموزش‌های کلاسیک نمی‌تواند به طور کامل، مهارت‌های کاربردی زبان‌آموزان را ارتقا بخشد. برای تقویت توانایی استفاده عملی از زبان در موقعیت‌های واقعی و همچنین افزایش آمادگی شغلی دانشجویان، لازم است بسترهای آموزشی درون‌دانشگاهی و برون‌دانشگاهی به طور نظام‌مند توسعه یابند.

۲-۳-۱. راه اندازی آزمایشگاه شبیه‌سازی کاربرد زبان فارسی

ایجاد آزمایشگاه‌های مجهز برای آموزش مبتنی بر سناریو در داخل دانشگاه، می‌تواند فرصتی مؤثر برای تمرین مهارت‌های شنیداری و گفتاری فراهم آورد. در این فضاها، سناریوهایی چون جلسات تجاری، راهنمایی گردشگران، نشست‌های خبری و تعاملات فرهنگی به صورت واقعی‌سازی شده و با استفاده از روش‌هایی مانند ایفای نقش و یادگیری مبتنی بر پروژه، طراحی و اجرا می‌شود. این نوع آموزش مبتنی بر موقعیت، به یادگیرندگان کمک می‌کند تا در شرایط شبه‌واقعی مهارت‌های خود را تقویت کنند.

۲-۳-۳-۲. تنوع‌بخشی به فعالیت‌های فوق‌برنامه برای تقویت انگیزه

یادگیری

دانشگاه‌ها می‌توانند با همکاری متقابل، مجموعه‌ای از فعالیت‌های فوق‌برنامه مانند مسابقات بداهه‌گویی به زبان فارسی، رقابت‌های ترجمه فارسی-چینی، نشست‌های تخصصی و جشنواره‌های زبان و فرهنگ برگزار کنند. این رویدادها نه تنها بستری برای نمایش توانمندی‌های زبانی دانشجویان فراهم می‌کند؛ بلکه شور و شوق و انگیزه آن‌ها برای ادامه یادگیری را نیز افزایش می‌دهد. همچنین، دعوت از استادان و پژوهشگران ایرانی برای برگزاری سخنرانی‌های تخصصی می‌تواند در گسترش افق فکری دانشجویان و افزایش ارتباط آن‌ها با فضای فرهنگی ایران مؤثر باشد.

۲-۳-۳-۲. راه‌اندازی پایگاه‌های کارآموزی

پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌ها با شرکت‌های چینی فعال در ایران و شرکت‌های ایرانی مستقر در چین ارتباط پایدار برقرار و پایگاه‌های کارآموزی برای دانشجویان رشته زبان فارسی ایجاد کنند. این پایگاه‌ها می‌توانند فرصت‌های کارورزی در حوزه‌هایی نظیر دستیاری تجاری، ترجمه، تولید محتوا، روزنامه‌نگاری یا مطالعات بازار فراهم سازند. چنین تجربه‌هایی امکان پیوند مستقیم میان زبان‌آموزی و محیط کار را فراهم می‌آورد و از طریق یادگیری زبان در بستر پروژه، موجب ارتقای توانمندی‌های چندانة دانشجویان می‌شود.

۲-۳-۳-۴. طراحی نظام ارزیابی علمی و چندبُعدی زبان فارسی

با فراهم کردن امکان شرکت دانشجویان در آزمون‌های سنجش سطح زبان فارسی مانند آزا و سامفا در داخل کشور، می‌توان ارزیابی مهارت‌های زبانی را به صورت علمی و استاندارد انجام داد. نتایج این آزمون‌ها می‌تواند هم به عنوان معیاری در سنجش پیشرفت دانشجو و هم به عنوان شاخصی برای کارفرمایان در انتخاب نیروی متخصص مورد استفاده قرار گیرد و بدین ترتیب، هدف‌مندی و کارآمدی روند آموزش را افزایش دهد.

۲-۳-۳-۵. ایجاد نظام‌های تشویقی برای ارتقای انگیزه و حس موفقیت

برگزاری رویدادهایی میان دانشگاه‌ها مانند مسابقات ملی سخنرانی به زبان فارسی و ترجمه همزمان، می‌تواند رقابت سالم و انگیزه پیشرفت در میان دانشجویان ایجاد کند. اعطای جوایزی همچون بورسیه تحصیلی، فرصت اعزام به دوره‌های آموزشی در ایران و توصیه‌نامه‌های کاری برای برگزیدگان، در جهت تقویت انگیزه، افزایش حس دستاورد و ارتقای کیفیت یادگیری، بسیار مؤثر خواهد بود.

۲-۳-۴. تعمیق روابط دوستانه مردمی و توسعه مکانیسم همکاری‌های

ملی میان ایران و چین

۲-۳-۴-۱. ایجاد برنامه‌های فرهنگی پایدار با برند مشخص

با تکیه بر ظرفیت‌های موجود در دانشگاه‌ها، مؤسسات فرهنگی و نهادهای بین‌المللی، می‌توان برنامه‌های فرهنگی منظم و ساختارمند همچون «هفته فرهنگی ایران»، «اردوهای تابستانی دانشجویی چین و ایران» و «جشنواره فیلم‌های ایرانی» را برگزار کرد. این برنامه‌ها می‌توانند شامل کارگاه‌هایی در زمینه‌های خوشنویسی، نقاشی، موسیقی، سینما و ادبیات باشند و بستر مناسبی برای آشنایی عمیق‌تر دانشجویان و عموم مردم با ابعاد گوناگون فرهنگ ایرانی فراهم کنند. چنین تجربه‌های فرهنگی ملموس، شناخت و علاقه به زبان فارسی را در میان زبان‌آموزان تقویت می‌کند و حس تعلق فرهنگی را در آنان پرورش می‌دهد.

۲-۳-۴-۲. گسترش کارکردهای اجتماعی زبان فارسی در بستر

همکاری‌های اقتصادی و صنعتی

تشویق به همکاری‌های عمیق میان شرکت‌های ایرانی و چینی در حوزه‌هایی مختلف چون اقتصاد، فرهنگ، انرژی و فناوری، زمینه‌ساز ایجاد فرصت‌های شغلی زبان‌محور برای دانش‌آموختگان زبان فارسی خواهد بود. تعریف جایگاه‌های شغلی مرتبط با زبان در چارچوب این همکاری‌ها، نه تنها زبان فارسی را به ابزاری کاربردی در فرایندهای تجاری و صنعتی بدل می‌کند، بلکه ارزش عملی زبان‌آموزی را نمایان می‌سازد و اعتماد به نفس و رقابت‌پذیری حرفه‌ای دانشجویان را افزایش می‌دهد.

۳. نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر با گسترش همکاری‌های راهبردی میان ایران و چین در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، جایگاه زبان فارسی در نظام آموزش زبان‌های خارجی چین روز به روز اهمیت بیشتری یافته است. هرچند دانشگاه‌های چین در زمینه آموزش زبان فارسی، دستاوردهای قابل توجهی داشته‌اند؛ اما همچنان چالش‌هایی جدی در مسیر توسعه این رشته وجود دارد، از جمله نبود نظام بومی‌سازی مناسب در تولید منابع درسی، ناهماهنگی منابع آموزشی با نیازهای روز، محدودیت در همکاری‌های بین‌دانشگاهی و کمبود فرصت‌های عملی برای دانشجویان.

این مقاله با تکیه بر واقعیت‌های میدانی، پیشنهادهایی مشخص و عملی ارائه می‌دهد. ۱. تقویت تولید و اشتراک منابع آموزشی تخصصی و دیجیتال در چارچوب همکاری‌های آموزشی میان دانشگاه‌های چین و ایران برای ارتقای کیفیت آموزش و افزایش انگیزه یادگیری؛ ۲. تعمیق سطح و گستره همکاری‌های دوجانبه از طریق امضای توافق‌نامه‌های تبادل دانشجو، دوره‌های دومی‌رکی و پروژه‌های تحقیقاتی مشترک؛ ۳. توسعه فرصت‌های کاربردی برای زبان‌آموزان در قالب کارورزی، مسابقات علمی‌زبان‌محور و ارزیابی‌های استاندارد به منظور ارتقای توانمندی‌های حرفه‌ای؛ ۴.

تقویت گفت‌وگوی فرهنگی و همکاری‌های محلی، به منظور تحکیم نقش زبان فارسی به عنوان پل ارتباطی میان تمدن‌های ایران و چین.

به طور خلاصه، زبان فارسی صرفاً ابزاری برای ترجمه و گفت‌وگو نیست، بلکه نقش حیاتی در پیوند دادن دو تمدن بزرگ ایفا می‌کند. تقویت تربیت نیروی انسانی متخصص در این حوزه، نه تنها درک عمیق‌تری از فرهنگ ایران برای جامعهٔ چین فراهم می‌آورد، بلکه به درک بهتر ایرانیان از چین معاصر نیز کمک می‌کند و مسیر را برای همکاری‌های بلندمدت و چندلایه هموار می‌سازد. امید است دو کشور در آینده نیز همکاری‌های خود را در زمینهٔ آموزش زبان گسترش دهند و با هم‌افزایی، توسعهٔ پایدار و پویا در آموزش زبان فارسی در چین را رقم بزنند، توسعه‌ای که بی‌شک به تقویت درک متقابل، دوستی و همکاری میان ملت‌های دو کشور خواهد انجامید.

کتاب‌شناسی

الف: کتاب‌ها

- ۱) شن، فو وی (۲۰۲۳)، *تاریخ تبادلات فرهنگی چین و آسیای غربی*، تای یوان: انتشارات آموزش شانسی.
- ۲) لیو، با سیو/ هو، ری (۲۰۲۲)، *پژوهشی درباره راهبرد و سازوکار گسترش آموزش در چارچوب ابتکار کمربند و جاده*، نان نینگ: انتشارات آموزش گوانگشی.
- ۳) لیو، زن تانگ (۲۰۱۹)، *داستان چین و ایران*، پکن: انتشارات گفت-وگوی بین‌المللی پنج قاره.
- ۴) مو، هونگ یای (۲۰۱۴)، *یادداشت‌هایی از ایران*، ژنگ ژو: انتشارات دانشگاه هنان.

ب: مقاله‌ها

- ۱) امام، سید جلال (۱۳۹۱)، «بررسی تاریخی سهم زبان فارسی در فرهنگ مسلمانان چین»، نشریه تاریخ اسلام، شماره ۵۱، صص ۱۸۹-۲۲۸
- ۲) بازدار، تهمینه (۱۴۰۲)، «بررسی تطبیقی ویژگی‌های زمان دستوری و نمود در زبان‌های فارسی و چینی براساس زبان‌شناسی پیکره‌ای»، مجله مطالعات آموزش بین‌المللی زبان فارسی، سال ۸، شماره ۱۳، صص ۲۱۱-۲۳۷.
- ۳) برزگر بفرولی، محدثه (۱۴۰۱)، «نگاهی به ترکیبات ساده وصفی و اضافی در زبان‌های فارسی و چینی (رویکردی آموزشی)»، مطالعات آموزش بین‌المللی زبان فارسی، سال ۷، شماره ۱۲، صص ۱۰۵-۱۲۳.

(۴) دینگ، جون (۱۳۸۴)، «نگاهی به روند آموزش زبان فارسی در چین و توسعه تبادلات فرهنگی چین و ایران»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها در پرتو سفرهای دریایی ژنگ‌هه دانشگاه ملیت‌های شمال غربی، مؤسسه علوم اجتماعی نینگ‌شیا و رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در چین، (۱۹۴-۱۹۹ و ۴۵۹-۴۶۰).

(۵) ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۸)، «آشنایی با کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی در چین». نشریه مطالعات ایرانی اسلامی، دوره ۹، شماره ۳، صص ۴۹-۸۴.

(۶) رضی نژاد، سید محمد، رستاخیز، مهسا (۱۴۰۴)، «بررسی مشکلات نگارش- ویرایشی در کتاب Fors Tili (کتاب آموزش زبان فارسی در کشور ازبکستان)»، فصل‌نامه بین‌المللی علمی تخصصی مطالعات زبان فارسی (شغای دل سابق)، سال ۷، شماره ۱۹، صص ۷۴-۹۷.

(۷) صدیقی‌فر، زهره، حسینی، زهراسادات (۱۳۹۵)، «آموزش واژگان فارسی به چینی‌زبانان براساس راهبردهای یادگیری زبان آموزان»، گردهمایی سراسری انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران.

(۸) صفایی قلاتی، مهدی، زارع، سعیده / یازاحمدزهی، ناهید (۱۳۹۹)، «انتقال آوایی در گفتار فارسی فارسی‌آموزان چینی با تمرکز بر فضای واکه‌ای»، پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، دوره ۹، شماره ۱، صص ۱۴۹-۱۷۶.

(۹) لیو، ینگ‌شن (۱۹۹۱)، «آموزش زبان‌های ایرانی و فارسی در دوران سلسله‌های تانگ و یوان در چین»، نشریه دانشگاه سین‌کیانگ (نسخه علوم انسانی و اجتماعی)، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۸-۲۳.

۱۰) مرادزاده، رضا (۱۳۹۶)، «*زبان فارسی و گسترش اسلام در چین*». پژوهش‌نامه تاریخ تمدن اسلامی (مقالات و بررسی‌ها)، سال ۵۰، شماره ۱، صص ۷۱-۹۲.

۱۱) مو، هونگ یان، طبری شاهاندشت، نرگس (۱۴۰۲)، «*بررسی وضعیت آموزش زبان چینی و فارسی در ایران و چین*». مطالعات آموزش بین‌المللی زبان فارسی، سال ۸، شماره ۱۳، صص ۷۱-۹۸.

۱۲) میردهقان، مهین ناز، میرزایی‌برزکی، رضا، دهقانی، مرضیه (۱۳۹۷)، «*تدوین و ارزیابی درسنامه‌های جامع آموزش زبان فارسی به چینی‌زبانان در سطح پایه براساس چارچوب مرجع آموزش زبان فارسی*». پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، سال ۷، شماره ۲، صص ۱۶۵-۱۹۴.

۱۳) وانگ، زنگ رونگ (۱۴۰۲)، «*آموزش ضرب‌المثل فارسی به غیرفارسی‌زبانان: درس خواندن متون مطبوعاتی به‌عنوان مطالعه موردی*». پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۴۹۷-۵۰۸.

۱۴) وکیل فرد، امیررضا، حیدری خسرو، پریسا (۱۴۰۱)، «*بررسی ارتباط بین نوع شخصیت، سبک‌ها و راهبردهای یادگیری زبان در میان فارسی‌آموزان چینی*». دوماهنامه جستارهای زبانی، دوره ۱۳، شماره ۴، صص ۶۵۹-۶۹۰.

ج: منابع اینترنتی

۱) بیانیه مشترک جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین (۱۳۹۴) برگرفته شده از سایت: <https://fararu.com/fa/tiny/news-610531>.

(۲) فرهنگ ملل(بدون تاریخ)، « بحث کوتاهی درباره زبان فارسی و

گسترش آن در چین»(۱۴۰۴) برگرفته شده از سایت:

<https://farhangemelal.icro.ir/news/18188>

Chinese references

- 1) 丁俊.从中国波斯语教学活动的历程看中伊(朗)文化交流的发展[C]//宁夏社会科学院,伊朗伊斯兰共和国驻华大使馆文化处.郑和下西洋与文明对话国际研讨会论文汇编.西北民族大学,,2005:194-199+459-460.
- 2) 刘宝存,胡瑞,等.“一带一路”倡议下扩大教育开放战略与机制研究[M].南宁:广西教育出版社,2022.
- 3) 刘迎胜.唐元时代中国的伊朗语文与波斯语文教育[J].新疆大学学报(哲学社会科学版),1991,(01).
- 4) 刘振堂.中国和伊朗的故事[M].北京:五洲传播出版社,2019.
- 5) 穆宏燕.波斯札记[M].郑州:河南大学出版社,2014.
- 6) 沈福伟.中国与西亚文化交流史[M].太原:山西教育出版社,2023.